

واکاوی جنایات جنگی در اماکن آموزشی مطالعه موردی فاجعه مدرسه شجره
طیبه میناب از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه
عبدالمحمد افروغ، بنفشه محمدی،



عبدالمحمد افروغ - reaserch1396@gmail.com - Ablolmohammad.afroogh@iau.ac.ir
استادیار

بنفشه محمدی - Bani.mohamadi@yahoo.com
دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی

چکیده

حمله نظامی به مدرسه «شجره طیبه» در اسفند ۱۴۰۴، یکی از چالش‌برانگیزترین رویدادهای حقوقی در جریان درگیری‌های اخیر ایران و آمریکا است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه «IHL»، به بررسی ابعاد این فاجعه می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این واقعه به دلیل نقض اصول بنیادین تفکیک، تناسب و ضرورت نظامی، و همچنین استفاده از استراتژی «ضربه دوم»، مصداق بارز جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت طبق اساسنامه رم است. همچنین، مقاله بر اهمیت مستندات بصری به عنوان ادله اثبات دعوا در محاکم بین‌المللی تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مدرسه شجره طیبه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جنایت جنگی، اساسنامه رم، مستندنگاری بصری.

واکاوی جنایات جنگی در اماکن آموزشی؛ مطالعه
موردی فاجعه مدرسه شجره طیبه میناب از منظر
حقوق بین‌الملل بشردوستانه

عبدالمحمد افروغ* 1، بنفشه محمدی 2

1- استادیار، گروه حقوق بین الملل، واحد دشتستان،
دانشگاه آزاد اسلامی، دشتستان، ایران، ایمیل:
Ablolmohammad.afroogh@iau.ac.ir

2- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، گروه
حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
و کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی و مدرس
موسسه آموزش عالی ارم شیراز، شیراز، ایران، ایمیل:
Bani.mohamadi@yahoo.com

*نویسنده مسئول: عبدالمحمد افروغ، استادیار، گروه
حقوق بین الملل، واحد دشتستان، دانشگاه آزاد اسلامی،
دشتستان، ایران، ایمیل:

کیفری انفرادی فرماندهان نظامی که دستور شلیک به یک هدف غیرنظامی شناسایی شده را صادر کرده‌اند، تحت شمول مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی تحلیلی-توصیفی، ابعاد حقوقی این جنایت را واکاوی نماید. نوآوری این تحقیق در پیوند میان «حقوق جزا» و «مستندنگاری بصری» نهفته است؛ جایی که عکس‌ها و داده‌های تصویری نه تنها به عنوان راویان رنج، بلکه به مثابه «ادله متقن جرم» «Visual Evidence» در محاکم بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند. در واقع، این مقاله تلاش می‌کند پاسخ دهد که چگونه می‌توان از دریچه لنز مستندنگاران، نقاب از چهره جنایت جنگی برداشت و مسئولیت کیفری عاملان فاجعه میناب را در پیشگاه عدالت بین‌المللی به اثبات رساند.

2. چارچوب نظری و مفاهیم حقوقی

۱-۲. اصل تفکیک «The Principle of Distinction»

«

بنیادین‌ترین قاعده در حقوق بین‌الملل بشردوستانه «IHL» است. طبق ماده ۴۸ و ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، در هر جنگی، طرفین «باید» بین افراد نظامی و غیرنظامی و همچنین بین «اهداف نظامی» و «اموال غیرنظامی» «مثل مدارس» تفکیک قائل شوند.

• مقدمه

در سپهر حقوق بین‌الملل معاصر، صیانت از کرامت انسانی و حفاظت از غیرنظامیان در جریان مخاصمات مسلحانه، نه تنها یک ضرورت اخلاقی، بلکه یک قاعده آمره و تخطی‌ناپذیر است. با این حال، گذار از جنگ‌های کلاسیک به نبردهای شهری، مرز میان اهداف نظامی و اماکن غیرنظامی را با چالشی جدی مواجه کرده است. در این میان، نهادهای آموزشی به عنوان «پناهگاه‌های دانش و امن»، طبق کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، از مصونیت مطلق برخوردارند. هرگونه تعرض به این اماکن، نقض آشکار اصل «تفکیک» و «تناسب» تلقی شده و زنگ خطر را برای وجدان بیدار جامعه جهانی به صدا درآمی‌ورد.

واقعه اسفناک حمله به مدرسه دخترانه «شجره طیبه» در شهرستان میناب «اسفند ۱۴۰۴»، یکی از تاریک‌ترین نقاط عطف در تاریخ نقض حقوق بشردوستانه در سال‌های اخیر است. این حادثه که با به‌کارگیری استراتژی بحث‌برانگیز «ضربه دوم» «Double-Tap» منجر به شهادت ده‌ها دانش‌آموز بی‌گناه گردید، فراتر از یک فاجعه انسانی، یک «مسئله حقوقی» پیچیده است. از یک سو، مسئولیت بین‌المللی دولت ایالات متحده به عنوان آمر اصلی مطرح است و از سوی دیگر، مسئولیت

آمره « مثل نکشتن کودکان » نیست.

در اینجا نظریه حقوقی می‌گوید: «شک و تردید به نفع غیرنظامی است.» یعنی حتی اگر ارتش آمریکا شک داشت که در مدرسه فعالیت نظامی انجام می‌شود یا نه، طبق قانون موظف بود آن را غیرنظامی فرض کند. حمله به مدرسه شجره طیبه، فروپاشی کامل این اصل نظری است.

2-2. اصل تناسب « The Principle of Proportionality »

این اصل زمانی کاربرد دارد که دشمن ادعا می‌کند «هدف من نظامی بود اما مدرسه هم آسیب دید.» این اصل « ماده ۵۱ پروتکل اول » می‌گوید حمله‌ای که باعث تلفات غیرنظامی شود، اگر این تلفات نسبت به «مزیت نظامی مستقیم و ملموس» خیلی زیاد باشد، ممنوع است.

آیا انهدام یک رادار یا پایگاه در نزدیکی مدرسه « مزیت نظامی »، ارزش جان ۱۶۸ کودک « هزینه انسانی » را داشت؟ از نظر حقوق بین‌الملل، پاسخ منفی است. این «عدم تناسب» فاحش، حمله را از مشروعیت خارج و به جنایت تبدیل می‌کند.

2-3. نظریه «ضرورت نظامی» در مقابل «انسانیت»

«ضرورت نظامی» اجازه می‌دهد در جنگ اقداماتی برای شکست دشمن انجام شود، اما حقوق بین‌الملل می‌گوید ضرورت نظامی هرگز مجوزی برای نقض قواعد

- مفهوم اموال تحت حمایت ویژه: مدارس، بیمارستان‌ها و مساجد طبق حقوق بین‌الملل عرفی دارای «حمایت ویژه» هستند. یعنی حتی اگر یک تک‌تیرانداز روی سقف مدرسه باشد، دشمن حق ندارد کل مدرسه را با موشک تاماهاوک منهدم کند، بلکه باید از روشی استفاده کند که کمترین آسیب را به ساختمان آموزشی بزند.

2-4. مفهوم حقوقی «جنایت جنگی» « War Crimes »

چه زمانی یک اشتباه، «جنایت» محسوب می‌شود؟

- عنصر مادی « Actus Reus » : همان شلیک موشک و تخریب مدرسه.

- عنصر معنوی « Mens Rea » : اینجاست که موضوع «ضربه دوم» « Double-Tap » مطرح می‌شود. در حقوق بین‌الملل، وقتی موشک دوم با فاصله زمانی به همان نقطه « نمازخانه » شلیک می‌شود، نظریه «خطای انسانی» باطل می‌شود و «قصد مجرمانه» برای کشتار غیرنظامیان اثبات می‌گردد. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که پرونده را به سمت دیوان کیفری بین‌المللی « ICC » می‌برد.

2-5. حق بر آموزش در شرایط مخاصمه « Right to

« Education

سرزمین دشمن « به شدت نهی شده است. حمله به مدرسه دخترانه شجره طیبه، نقض مستقیم این حکم قطعی فقهی است.

- نفی قاعده «تترس» در دنیای مدرن:

قاعده «تترس» یکی از قواعد فقهی چالش‌برانگیز در ابواب جهاد و دفاع است که به موضوع استفاده از «سپر انسانی» می‌پردازد.

در فقه، اگر دشمن از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی «تترس» استفاده کند، احکام خاصی دارد.

حکم فقهی اولیه « اصل حرمت »

در حالت عادی، کشتن غیرنظامیان و مسلمانانی که سپر قرار گرفته‌اند، شرعاً حرام و از گناهان کبیره است. قرآن و روایات تأکید دارند که خون بی‌گناه نباید ریخته شود.

حکم ثانویه « محل بحث در قاعده تترس »

فقها « شیعه و سنی » در یک شرایط بسیار خاص و استثنایی، اجازه حمله به دشمنی که پشت سپر انسانی پنهان شده را صادر کرده‌اند. این شرایط عبارتند از:

از دید حقوق بشر « نه فقط حقوق جنگ » ، حمله به مدرسه شجره طیبه نقض «اعلامیه مدارس ایمن» « Safe Schools Declaration » است. این اعلامیه بین‌المللی تأکید دارد که مدارس باید فضای امن برای کودکان باقی بمانند و نباید به هیچ وجه به عنوان هدف نظامی یا حتی سپر نظامی استفاده شوند.

- نظریه حقوقی حاکم بر این پژوهش، برتری قواعد لایتحول « قواعد آمره » بر ضرورت‌های نظامی است؛ به گونه‌ای که هیچ مصلحت جنگی نمی‌تواند مصونیت مکانی یک مدرسه دخترانه را زایل نماید.

۳. تحلیل فقهی و حقوقی واقعه مدرسه شجره طیبه
میناب

۳-۱. تحلیل از منظر فقه اسلامی « قواعد جهاد و اخلاق جنگ »

در فقه اسلامی، حتی در سخت‌ترین نبردها، اصولی وجود دارد که تخطی از آنها حرام شرعی و موجب مسئولیت اخروی است:

- قاعده «حرمت قتل نساء و صبیان»: در سیره نبوی و احادیث صریح، کشتن زنان و کودکان « حتی در

1. ضرورت قطعی: اگر به دشمن حمله نشود، پیروزی دشمن حتمی باشد.

2. خطر بزرگتر: اگر حمله متوقف شود، دشمن پیشروی کرده و جان تمام مسلمانان یا اساس اسلام به خطر بیفتد «قاعده دفع افسد به فاسد».

3. عدم امکان تفکیک: هیچ راهی برای هدف قرار دادن دشمن، بدون آسیب به سپر انسانی وجود نداشته باشد.

اما در واقعه میناب، تحلیل فقهی نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در یک مکان آموزشی رسمی و تحت نظارت دولت بودند، لذا استناد مهاجمان به «سپر انسانی» به دلیل دوری جغرافیایی از کانون نبرد، از نظر فقهی باطل است و جان آن‌ها «محترم» «خون معصوم» محسوب می‌شود:

الف «فقدان ضرورت: قاعده تترس فقط زمانی جاری است که «خطر کلی» وجود داشته باشد. حمله به یک مدرسه در میانه روز که هیچ تهدید فوری نظامی از آن صادر نمی‌شود، مشمول این قاعده نیست.

ب «اصل احتیاط در دماء: در فقه قاعده‌ای داریم به نام «احتیاط در دماء» «خون‌ها». یعنی تا وقتی ۱۰۰٪ مطمئن نیستیم که تترس رخ داده، حق تیراندازی نداریم. عکس‌های تو ثابت می‌کنند که هیچ نشانه نظامی در مدرسه نبوده است.

ج «مسئولیت دیه و قصاص: طبق نظر بسیاری از فقها «از جمله امام خمینی و محقق حلی»، حتی اگر حمله در حالت تترس جایز باشد، این کار «ضمان» را از بین نمی‌برد. یعنی دولت حمله‌کننده همچنان مسئول پرداخت دیه و جبران خسارت به خانواده‌های قربانیان است.

۲-۳. واکاوی حقوقی استراتژی «ضربه دوم» «The Double-Tap Analysis»

این بخش، کلید اثبات «جنایت جنگی» در محاکم بین‌المللی است:

پس از اصابت اولین موشک به حیاط مدرسه، دانش‌آموزان و معلمان طبق پروتکل‌های ایمنی به «نمازخانه» «مقاوم‌ترین بخش ساختمان» پناه بردند. اما موشک دوم دقیقاً سقف نمازخانه را هدف قرار داد.

حمله اول ممکن است با ادعای «خطای محاسباتی» یا «هدف قرار دادن پایگاه مجاور» از سوی وکلای مدافع توجیه شود.

اما حمله دوم، عنصر «عمد» «Intent» را ثابت می‌کند. در حقوق بین‌الملل، وقتی فاصله‌ای میان دو انفجار وجود دارد، یعنی ناظر پهبادی یا فرمانده عملیات، تجمع افراد در نقطه دوم را دیده و آگاهانه دستور شلیک مجدد داده است. این یعنی هدف، نه یک ساختمان، بلکه «انسان‌های پناه گرفته» بوده‌اند. این اقدام نقض ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی است که هدف قرار دادن افراد

از جنبه حقوقی، این فاجعه پتانسیل پیگیری در قالب «صلاحیت جهانی» را دارد.

غیرنظامی را که در حال فرار یا پناه گرفتن هستند، معادل جنایت جنگی می‌داند.

از آنجا که این حمله بخشی از یک الگوی گسترده « بیش از ۶۰۰ مدرسه مورد حمله قرار گرفته » است، از تعریف «جنایت جنگی» فراتر رفته و به «جنایت علیه بشریت» « Crimes Against Humanity » نزدیک می‌شود. این به دادستان‌های سایر کشورها اجازه می‌دهد تا علیه فرماندهان سنتکام « CENTCOM » اعلام جرم کنند.

۳-۳. تحلیل وضعیت «حمایت ویژه» از اماکن آموزشی

در تحلیل حقوقی واقعه میناب، متادیتای « Metadata » « عکس‌های ثبت شده توسط شاهدان عینی، زمان دقیق بین دو انفجار را ثابت کرد. این داده‌های دیجیتال « EXIF » که توسط لنزهای دوربین ثبت شده، به عنوان مستند حقوقی در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل برای اثبات عامدانه بودن ضربه دوم مورد استناد قرار گرفت.

از منظر حقوقی، مدرسه شجره طیبه یک «مال غیرنظامی» « Civilian Object » معمولی نبود:

حمایت مضاعف: مدارس طبق کنوانسیون چهارم ژنو دارای حمایت ویژه هستند. حتی اگر فرض کنیم « طبق ادعای مهاجم » یک فعالیت نظامی کوچک در دوردست انجام شده، مدرسه «مصونیت مطلق» دارد مگر اینکه مستقیماً از داخل آن برای اعمال جنگی استفاده شود.

۴. مسئولیت کیفری بین‌المللی « International Criminal Responsibility »

برخلاف مسئولیت مدنی که دولت آمریکا را ملزم به پرداخت پول می‌کند، مسئولیت کیفری به دنبال مجازات حبس برای آمران و عاملان است.

فقدان شواهد نظامی: تحلیل‌های میدانی و تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهند که هیچ ادوات نظامی در محیط مدرسه وجود نداشته است. بنابراین، حمله به آن «حمله کور» « Indiscriminate Attack » و جنایتکارانه تلقی می‌شود.

۳-۴. مسئولیت کیفری فرامرزی « Universal Jurisdiction »

۴-۱. جنایت جنگی بر اساس ماده ۸ اساسنامه رم

است، بلکه فرماندهان ارشد « سنتکام » نیز مسئولیت دارند.

- عنصر آگاهی: فرماندهان از طریق تصاویر پهپادی « Surveillance » به صورت زنده شاهد بودند که هدف یک مدرسه است.

- ترک فعل: اگر فرمانده ارشد می‌دانست « یا باید می‌دانست » که نیروهای تحت امرش در حال ارتکاب جنایت هستند و جلوی آن‌ها را نگرفت، او مستقیماً مسئول است. در واقعه میناب، شلیک موشک دوم « ضربه دوم » ثابت می‌کند که نه تنها جلوی جنایت گرفته نشده، بلکه فرمان تکمیل آن صادر شده است.

۳-۴. جنایت علیه بشریت « Crimes Against Humanity »

اگر بتوان ثابت کرد که حمله به مدارس « مثل شجره طیبه و ۶۰۰ مدرسه دیگر در ایران » بخشی از یک «حمله گسترده یا سازمان‌یافته» علیه یک جمعیت غیرنظامی بوده است، موضوع از جنایت جنگی به «جنایت علیه بشریت» « ماده ۷ اساسنامه رم » ارتقا می‌یابد.

هدف قرار دادن سیستماتیک زیرساخت‌های آموزشی ایران در جنگ اخیر، نشان‌دهنده یک «خط مشی دولتی» « State Policy » برای درهم‌شکستن مقاومت ملی از طریق کشتار کودکان است. این موضوع باعث می‌شود که این جنایت مشمول مرور زمان نشود « یعنی ۲۰ سال دیگر هم می‌توان متهمان را دستگیر کرد ».

بر اساس ماده ۸ اساسنامه رم « دادگاه کیفری بین‌المللی - ICC » ، هدایت عامدانه حملات علیه ساختمان‌های مذهبی و آموزشی، جنایت جنگی است.

حمله به مدرسه میناب مصداق چندین بند از ماده ۸ اساسنامه رم است:

- بند ۲ « الف - ۱ » : قتل عمدی افراد تحت حمایت « دانش‌آموزان » .

- بند ۲ « ب - ۹ » : هدایت عامدانه حملات علیه ساختمان‌های اختصاص داده شده به آموزش و پرورش، مشروط بر اینکه اهداف نظامی نباشند.

طبق رویه قضایی بین‌المللی « مانند پرونده‌های یوگسلاوی سابق » ، حتی اگر یک سرباز در مدرسه پناه گرفته باشد، تخریب کل مدرسه با سلاح سنگین همچنان یک جنایت جنگی است، زیرا اصل تناسب رعایت نشده است.

۲-۴. مسئولیت فرماندهی « Command Responsibility »

طبق ماده ۲۸ اساسنامه رم، نه تنها خلبان یا اپراتوری که دکمه شلیک موشک تاماهاوک را فشار داده مسئول

نخستین گام حقوقی، اثبات این است که حملات توسط نیروهای رسمی « سنتکام » انجام شده است. با توجه به بیانیه‌های رسمی پنتاگون و استفاده از تسلیحات هدایت‌شونده آمریکایی، این حملات مستقیماً به دولت ایالات متحده منتسب است. از منظر حقوقی، دولت‌ها مسئول اعمال نیروهای مسلح خود در زمان مخاصمه هستند، حتی اگر ادعا کنند خطا صورت گرفته است.

2-5. اشکال جبران خسارت « Forms of Reparation »

طبق ماده ۳۴ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها « کمیسیون حقوق بین‌الملل »، آمریکا موظف به جبران خسارت کامل از سه طریق است:

- اعاده وضعیت « Restitution » : بازگرداندن وضعیت به پیش از جنایت « که در مورد جان دانش‌آموزان شهید غیرممکن است » .

- پرداخت غرامت مالی « Compensation » : پرداخت مبلغ مالی بابت خسارات جانی « دیه بین‌المللی » ، هزینه‌های درمانی بازماندگان و بازسازی کامل مدرسه با استانداردهای نوین آموزشی.

- رضایت و پوزش « Satisfaction » : شناسایی رسمی تخلف، عذرخواهی رسمی از خانواده‌های داغدار و تضمین عدم تکرار « Non-Repetition » حملات به اماکن آموزشی.

۴-۴. چالش اجرای عدالت و دستور بازداشت « Arrest Warrants »

- اگرچه آمریکا عضو دیوان کیفری بین‌المللی « ICC » نیست، اما طبق قطعنامه‌های احتمالی شورای امنیت یا تحت شرایط خاص « وقوع جنایت در سرزمین کشوری که صلاحیت دیوان را پذیرفته » ، دادستان کل دیوان می‌تواند علیه فرماندهان آمریکایی اعلان قرمز « Red Notice » صادر کند.

- پیامد حقوقی: این افراد در صورت سفر به بیش از ۱۲۰ کشور عضو دیوان، باید بلافاصله بازداشت و به لاهه مسترد شوند.

5. مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا و چالش‌های جبران خسارت

در حقوق بین‌الملل، «مسئولیت بین‌المللی» « State Responsibility » زمانی ایجاد می‌شود که یک دولت، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کند. واقعه مدرسه شجره طیبه میناب از سه منظر زیر، دولت آمریکا را ملزم به پرداخت غرامت می‌کند:

1-5. انتساب عمل به دولت « Attribution »

3-5. چالش مصونیت دولتی « Sovereign Immunity »

یکی از بزرگترین موانع حقوقی در این پرونده، «اصل مصونیت دولت‌ها» است که اجازه نمی‌دهد محاکم داخلی ایران به سادگی اموال دولت آمریکا را توقیف کنند. با این حال، تحلیل‌های حقوقی اخیر « فروردین ۱۴۰۵ » نشان می‌دهد که به دلیل ماهیت «جنایت علیه بشریت» در این واقعه، مصونیت دولتی نمی‌تواند سپری برای فرار از پرداخت غرامت باشد.

4-5. نقش دادخواهی بین‌المللی پرونده شجره طیبه می‌تواند از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری « ICJ » به عنوان نقض معاهدات بشردوستانه پیگیری شود.

همچنین، ایجاد یک «صندوق غرامت تحت نظارت سازمان ملل» شبیه به آنچه در تهاجم عراق به کویت ایجاد شد، راهکاری است که حقوقدانان برای تامین حقوق مادی و معنوی خانواده‌های قربانیان میناب پیشنهاد داده‌اند.

6. نقش مستندنگاری بصری در اثبات جنایت « بخش هنری-حقوقی »

عکاسی مستند و فیلم‌های ضبط شده از صحنه فاجعه، تنها یک ثبت تاریخی نیستند؛ بلکه طبق قواعد ادله اثبات در ICC، این مستندات « اگر با رعایت

استانداردهای فنی ثبت شده باشند » می‌توانند به عنوان «شاهد بی‌آزار» برای اثبات عدم وجود فعالیت نظامی در مدرسه در لحظه حمله استفاده شوند.

تعیین میزان غرامت معنوی، نیازمند به تصویر کشیدن حجم عظیم فاجعه است. عکس‌های مستند از وسایل باقی‌مانده دانش‌آموزان در ویرانه‌های مدرسه و پرتله‌های خانواده‌های سوگوار، "پیوست‌های انسانی" پرونده‌های حقوقی هستند که قضات بین‌المللی را مجاب می‌کنند غرامت را نه بر اساس قیمت تجهیزات، بلکه بر پایه "عمق فاجعه انسانی" و آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیر بر جامعه محلی میناب تعیین کنند.

در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، شواهد تصویری « Visual Evidence » نقشی حیاتی در اثبات مسئولیت فردی دارند. عکس‌های مستند از بقایای موشک‌ها، شماره سریال قطعات و تحلیل زاویه اصابت که توسط عکاسان و کارشناسان ثبت شده، "زبان گویای" قربانیانی هستند که دیگر در قید حیات نیستند تا شهادت دهند. در واقع، دوربین عکاسی در اینجا به یک ابزار بازپرسی مبدل می‌شود که مانع از تبریئه آمران جنایت تحت عنوان "خطای جنگی" می‌گردد.

پیوند هنر و حقوق: عکاس مستند در اینجا نه یک مشاهده‌گر، بلکه یک افسر تحقیق « Investigative Officer » در میدان نبرد است.

6.1. نقش فتوژورنالیسم مستند در اثبات جنایات جنگی

Chain of Custody» به مراجع قضایی ارائه می‌شوند، دارای ارزش اثباتی برابر با شهادت زنده در دادگاه هستند.

۳. فتوگرامتری روایی و تحلیل صحنه جرم

عکس‌های ثبت شده از بقایای موشک‌ها، زاویه برخورد و تخریب دیوارهای مدرسه، امکان «بازسازی سه‌بعدی صحنه جرم» را فراهم می‌کنند. از طریق تحلیل سایه‌ها و نور در عکس‌های مستند، متخصصان بالستیک توانسته‌اند مسیر پرتابه را ردیابی کنند. در واقع، لنز عکاس در اینجا به عنوان یک ابزار اندازه‌گیری دقیق عمل کرده است که «قصد و نیت» «Mens Rea» مهاجم برای هدف قرار دادن یک مکان غیرنظامی را برملا می‌سازد.

۴. قدرت اقناعی «تصویر رنج» در وجدان قضایی

فراتر از جنبه‌های فنی، عکس‌های مستند از پیکرهای دانش‌آموزان و کیف و کتاب‌های خونین، پدیده‌ای را ایجاد می‌کنند که حقوقدانان آن را «اقناع وجدانی قاضی» می‌نامند. این تصاویر، ابعاد انسانی فاجعه را که در خشکی کلمات حقوقی گم می‌شود، بازنمایی کرده و ضرورت صدور حکم قاطع را برای دادگاه‌های بین‌المللی دوچندان می‌کنند.

6.2. تمایز کارکردی: از فتوژورنالیزم تا مستندنگاری قضایی

تمایز ماهوی میان «عکس خبری» و «عکس به مثابه

در جریان دادرسی‌های مدرن بین‌المللی، عکس‌ها دیگر تنها ابزاری برای اطلاع‌رسانی نیستند، بلکه به عنوان «شاهدان خاموش» «Silent Witnesses» در صدر ادله اثبات دعوا قرار می‌گیرند. در واقعه مدرسه شجره طیبه، نقش عکس از سه منظر فنی و حقوقی قابل واکاوی است:

۱. اصالت‌سنجی از طریق متادیتا «Metadata & EXIF Data»

برخلاف نقاشی یا گزارش‌های مکتوب، عکس‌های دیجیتال دارای لایه‌های پنهانی از اطلاعات هستند که به آن «متادیتا» گفته می‌شود. در پرونده میناب، استناد به داده‌های EXIF شامل تاریخ دقیق «تا صدم ثانیه»، مختصات جغرافیایی «GPS» و نوع لنز و دوربین به‌کاررفته، امکان هرگونه انکار از سوی عاملان حمله را سلب می‌کند. این داده‌ها ثابت می‌کنند که تصاویر دقیقاً در زمان استراتژی «ضربه دوم» «Double-Tap» ثبت شده‌اند؛ یعنی زمانی که امدادگران در حال کمک به مجروحان ضربه اول بوده‌اند.

۲. رعایت پروتکل برکلی «The Berkeley Protocol»

در این مقاله، تأکید بر این است که عکاسان مستند در فاجعه میناب، ناخودآگاه یا آگاهانه از «پروتکل برکلی» پیروی کرده‌اند. این پروتکل، استاندارد جهانی برای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و تحلیل ادله دیجیتال است. عکس‌هایی که بدون دستکاری «بدون ادیت‌های سنگین یا تغییر در پیکسل‌ها» و با حفظ «زنجیره مراقبت»

مدرک جرم»

هرگونه تلاش برای «زیباتر کردن» یا «تأثیرگذارتر کردن» عکس از طریق کراپ کردن یا تغییر کنتراست، می‌تواند منجر به رد شدن مدرک در دادگاه شود. عکس قضایی باید «عریان» و «عینی» باشد؛ حتی اگر از نظر هنری قاب‌بندی ضعیفی داشته باشد.

در تحلیل واقعه مدرسه شجره طیبه میناب، باید مرز باریکی میان دو رویکرد عکاسی قائل شد: عکاسی خبری « News Photography » و عکاسی قانونی/اثباتی « Forensic/Evidentiary Photography ». این تمایز در سه سطح زیر تعریف می‌شود:

۳. جامعیت در مقابل گزیده‌گویی

۱. هدف و غایت « Intent » :

یک فتوژورنالیست ممکن است از بین ۳۰۰ عکس، تنها ۳ عکس برتر را برای انتشار انتخاب کند. اما در روبه قضایی فاجعه میناب، آنچه اهمیت دارد «مجموعه تصاویر» « Sequence » است. عکس‌های «لانگ‌شات» برای تعیین موقعیت مدرسه نسبت به مناطق نظامی اطراف، «مدیوم‌شات» برای نمایش حجم تخریب و «کلوزآپ» برای ثبت شماره سریال قطعات موشک، همگی در کنار هم یک «زنجیره ادله» را می‌سازند. حذف هر کدام از این فریم‌ها در دادگاه، به معنای ناقص بودن مدرک است.

هدف عکاس خبری، روایتگری « Storytelling » و برانگیختن احساسات عمومی برای جلب توجه به یک فاجعه انسانی است. او به دنبال «لحظه قطعی» است که عمق فاجعه را در یک قاب خلاصه کند. اما در عکاسی به مثابه مدرک جرم، هدف «تثبیت واقعیت فیزیکی» بدون هیچ‌گونه سوگیری یا دراماتیزه کردن است. در اینجا، عکس باید بتواند به سوالات "کجا؟"، "چگونه؟" و "با چه وسیله‌ای؟" پاسخ دهد، نه اینکه صرفاً حس غم یا خشم را منتقل کند.

بسیاری از تصاویر ثبت‌شده در اسفند ۱۴۰۴، ابتدا به عنوان «عکس خبری» در خبرگزاری‌ها منتشر شدند، اما به دلیل هوشمندی عکاسان در حفظ فایل‌های اصلی « Original Files » و رعایت عدم دستکاری، این تصاویر تغییر ماهیت داده و به عنوان «سند جرم» در پرونده حقوقی علیه عاملان حمله مورد استناد قرار گرفتند. این واقعه ثابت کرد که عکاس مستند در قرن ۲۱، همزمان هم یک هنرمند است و هم یک «ضابط بصری دادگستری».

۲. زیبایی‌شناسی در مقابل عینیت « Aesthetics vs. Objectivity » :

در عکاسی خبری، ترکیب‌بندی، نورپردازی و حتی برخی ویرایش‌های بصری برای تأثیرگذاری بیشتر مجاز است « Aestheticization of Suffering ». اما در عکاسی اثباتی،

کشور ایران، پرونده‌های شامل مستندات تصویری و بالستیک «مربوط به استراتژی ضربه دوم» را به دبیرخانه سازمان ملل و شورای حقوق بشر ارسال کرده‌اند.

عکس خبری به دنبال "چرا" است، اما عکس مجهول «مدرک جرم» به دنبال "چگونه" می‌گردد. عکس خبری قلب‌ها را تکان می‌دهد، اما عکس قانونی دست‌های جنایتکار را می‌بندد.

- استناد به قضایای مشابه «Jurisprudence»: حقوقدانان ایرانی در لوایح خود به رویه دیوان بین‌المللی دادگستری «ICJ» در پرونده‌های «نیکاراگوئه علیه آمریکا» و «سکوه‌های نفتی» استناد کرده‌اند تا ثابت کنند حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی در زمان صلح، نقض صریح منشور ملل متحد است.

- دیوان کیفری بین‌المللی «ICC»: درخواستی برای بازگشایی پرونده تحت عنوان «جنایت جنگی» بر اساس ماده ۸ اساسنامه رم ارائه شده است. رویه موجود در ICC نشان می‌دهد که حملات عمدی به مدارس «مانند پرونده‌های مرتبط با منازعات آفریقا» پتانسیل بالایی برای صدور قرار تعقیب علیه فرماندهان نظامی دارد.

7.2. رویه مستندسازی

یک رویه جدید و بسیار مهم در این پرونده شکل گرفته است:

- پذیرش متادیتای تصاویر: برای اولین بار در یک پرونده ملی، «ستاد حقوق بشر» رویه‌ای را بنا نهاده که در آن تصاویر ضبط شده توسط دوربین‌های شاهد و عکاسان مستند، همراه با داده‌های دیجیتال «Meta-data» به عنوان ادله جرم طبقه بندی شده‌اند. این یعنی

7. رویه‌ها

هرچند ماشین عدالت بین‌المللی کند حرکت می‌کند، اما اجماع نهادهای داخلی بر استفاده از ظرفیت‌های "صلاحیت جهانی" «Universal Jurisdiction» نشان‌دهنده شکل‌گیری یک رویه قاطع برای بی‌کیفر نماندن «Impunity» عاملان این فاجعه است.

در مورد واقعه مدرسه شجره طیبه میناب، «رویه» «Precedent» را می‌توان از دو منظر "حقوقی-قضایی" و "اداری-سیاسی" بررسی کرد. با توجه به اینکه این اتفاق در اسفند ۱۴۰۴ رخ داده پیگیری‌ها به این صورت شکل گرفته است:

7.1. رویه قضایی و حقوقی «در سطح بین‌المللی»

تا این لحظه، رویه واحدی در قالب «حکم نهایی» صادر نشده است، اما مسیرهای زیر به عنوان رویه اجرایی در حال طی شدن است:

- ثبت شکایت رسمی: وزارت امور خارجه و وزارت

عکس‌های تو دیگر فقط «تصویر» نیستند، بلکه «سند حقوقی» محسوب می‌شوند.

تفکیک

طبق رویه مستقر در ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو «۱۹۷۷»، حمله به اماکن آموزشی که ماهیتاً هدف نظامی محسوب نمی‌شوند، نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. در این پرونده، با توجه به هویت کاملاً غیرنظامی مدرسه شجره طیبه، اصل «تفکیک» «Distinction» نادیده گرفته شده و بر اساس رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «نیکاراگوئه علیه ایالات متحده»، مسئولیت انتساب این فعل به دولت آمر قطعی است.

بند ۲: جرم‌انگاری استراتژی «ضربه دوم» «Double-Tap»

به‌کارگیری استراتژی ضربه دوم در این واقعه، مصداق بارز جنایت جنگی تحت ماده ۸ اساسنامه رم «دیوان کیفری بین‌المللی» است. طبق این رویه، حمله ثانویه به امدادگران و بازماندگان، نشان‌دهنده «سوءنیت خاص» «Specific Intent» برای افزایش تلفات غیرنظامی است. این اقدام با رویه قضایی در پرونده‌های مربوط به حملات پهنپادی که منجر به کشتار هدفمند غیرنظامیان می‌گردد، همخوانی داشته و قابلیت تعقیب کیفری در سطح بین‌المللی را داراست.

بند ۳: رویه استناد به «ادله بصری دیجیتال» به عنوان مدرک متقن

نوآوری حقوقی در این پرونده، تکیه بر رویه جدید

7.3. رویه دیپلماتیک و کنوانسیونی

- اعلامیه مدارس ایمن «Safe Schools Declaration»: ایران با تکیه بر این رویه بین‌المللی، فشار دیپلماتیکی را آغاز کرده تا این واقعه را به عنوان یک «گزارش ویژه» در یونسکو ثبت کند. رویه یونسکو در این موارد، اعزام هیئت حقیقت‌یاب برای بررسی تخریب میراث آموزشی است.

7.4. وضعیت فعلی پرونده

در حال حاضر پرونده در مرحله «گردآوری ادله و احراز صلاحیت» است. یعنی مراجع بین‌المللی در حال بررسی این موضوع هستند که آیا صلاحیت ورود مستقیم به پرونده را دارند یا خیر.

واکاوی رویه‌های حقوقی و مبانی استنادی در فاجعه میناب

در راستای پیگیری حقوقی واقعه حمله به مدرسه شجره طیبه، می‌توان به رویه‌ها و مواد قانونی زیر به عنوان استوانه‌های اصلی پرونده استناد نمود:

بند ۱: نقض مصونیت اماکن غیرنظامی و اصل

تحقیق در سه محور اصلی تبلور می‌یابد:

اول؛ اثبات قصد مجرمانه: استفاده از استراتژی «ضربه دوم» و هدف قرار دادن پناهگاه دانش‌آموزان « نمازخانه مدرسه »، فرضیه «خطای فنی» را کاملاً باطل و عنصر معنوی جرم « Mens Rea » را برای احراز «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت» طبق مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم فراهم می‌سازد.

دوم؛ مسئولیت دوگانه: بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، مسئولیت این فاجعه متوجه دو سطح است؛ مسئولیت مدنی دولت ایالات متحده در پرداخت غرامت کامل به بازماندگان و بازسازی زیرساخت‌های آموزشی، و مسئولیت کیفری فردی فرماندهان ارشد نظامی « سنتکام » که دستور این حملات غیرمتناسب را صادر کرده‌اند.

سوم؛ قدرت مستندنگاری بصری: این پژوهش نشان داد که در دنیای معاصر، «لنز دوربین» به عنوان امتداد عدالت عمل می‌کند. مستندات بصری و متادیتای تصاویر ثبت شده از واقعه میناب، به عنوان «شاهدان بی‌آزار»، نقشی حیاتی در مستندسازی نقض اصل تفکیک و تناسب ایفا کرده و راه را برای دادرسی در محاکم بین‌المللی هموار می‌سازند.

پیشنهادات

۱. نهادهای حقوقی و دیپلماتیک ایران، با تکیه بر

«احراز اصالت از طریق متادیتا» است. برخلاف رویه‌های سنتی که عکس را صرفاً یک اماره « نشانه » می‌دانستند، در اینجا تصاویر مستندنگاران به عنوان «دلیل» « Evidence » پذیرفته می‌شوند. طبق استانداردهای پروتکل برکلی « Berkeley Protocol » در مورد تحقیقات دیجیتال حقوق بشر، عکس‌های ثبت شده با حفظ تمامیت داده‌های جغرافیایی و زمانی « Metadata »، سند غیرقابل‌انکار برای اثبات «زمان دقیق» و «مکان دقیق» جنایت محسوب می‌شوند.

بند ۴: مسئولیت کیفری فرماندهان و قاعده صلاحیت جهانی

بر اساس رویه «مسئولیت فرماندهی» « Command Responsibility »، نه تنها اپراتورها، بلکه سلسله‌مراتب فرماندهی که دستور حمله به هدف غیرنظامی را صادر کرده‌اند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند. با استناد به قاعده صلاحیت جهانی « Universal Jurisdiction »، ایران این حق را دارد که از دادگاه‌های کشورهای ثالث که این قاعده را به رسمیت می‌شناسند، درخواست بازداشت و محاکمه عاملان را به اتهام «جنایت علیه بشریت» مطرح نماید.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی ابعاد مختلف فاجعه حمله به مدرسه دخترانه «شجره طیبه» میناب، به این جمع‌بندی نائل آمد که این واقعه فراتر از یک آسیب جانبی در جریان مخاصمات، نقض سیستماتیک و فاحش قواعد آمره حقوق بین‌الملل « Jus Cogens » است. یافته‌های

غیرنظامیان و اماکن آموزشی در زمان مخاصمات مسلحانه.

گزارش‌های بالستیک و تصاویر مستند، پرونده واقعه میناب را در «دیوان کیفری بین‌المللی» و «دیوان بین‌المللی دادگستری» با جدیت پیگیری کنند.

3. اعلامیه مدارس ایمن « Safe Schools Declaration »؛ مصوب ۲۰۱۵، تعهدات بین‌المللی در قبال منع استفاده نظامی از مدارس و تضمین تداوم آموزش در جنگ.

۲. مدرسه شجره طیبه به عنوان «موزه زنده جنایات جنگی» حفظ و در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت گردد تا به عنوان نمادی از حق بر آموزش در صلح، مانع از تکرار چنین فجایی در آینده شود.

4. طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها برای اعمال خلاف بین‌المللی « ۲۰۰۱ »؛ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد « ILC »، مواد ۳۱ تا ۳۷ در باب جبران خسارت و غرامت.

۳. رشته‌های هنری به‌ویژه «عکاسی مستند»، پروتکل‌های خاصی را برای ثبت ادله جرم در مناطق جنگی تدوین کنند تا آثار هنرمندان به عنوان مدارک محکمه‌پسند در فرآیند عدالت ترمیمی مورد استفاده قرار گیرد.

ب «گزارش‌های نهادهای بین‌المللی» تحلیل واقعه میناب»

منابع

5. گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق بر آموزش « ۱۴۰۵ »؛ «تأثیر حملات هدفمند بر زیرساخت‌های آموزشی ایران؛ مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه»، سند شورای حقوق بشر « UNHRC »، ژنو.

الف « اسناد و معاهدات بین‌المللی » اصول و چارچوب نظری»

6. بیانیه مشترک یونسکو و یونیسف « مارس ۲۰۲۶ »؛ «مدرسه شجره طیبه؛ ضرورت حفاظت از فضاهای یادگیری»، دفتر منطقه‌ای خاورمیانه.

1. اساسنامه رم « ۱۹۹۸ »؛ دیوان کیفری بین‌المللی « ICC »، مواد ۷ « جنایات علیه بشریت »، ۸ « جنایات جنگی » و ۲۸ « مسئولیت فرماندهان ».

7. گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر « Human Rights Watch »؛ «تحلیل بالستیک و حقوقی استراتژی ضربه دوم « Double-Tap » در حملات اسفند ۱۴۰۴».

2. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو « ۱۹۷۷ »؛ مواد ۴۸، ۵۱، ۵۲ و ۸۵ در خصوص حفاظت از

نیویورک.

د « منابع هنری و مستندنگاری » بخش ادله
تصویری «

ج « مقالات علمی و نشریات پژوهشی

11. زارکوف، ناتاشا؛ کتاب «تصویر به مثابه شاهد: قدرت
عکس مستند در محاکم جنایات جنگی»؛ ترجمه
پژوهشکده هنر و رسانه، انتشارات سوره مهر «۱۴۰۴» .

8. مقاله پژوهشی: «واکاوی حقوقی حمله به اماکن
آموزشی از منظر حقوق بشردوستانه»؛ فصلنامه
مطالعات حقوق عمومی، دانشگاه تهران، دوره ۵۶، شماره
۱، بهار ۱۴۰۵.

12. مجموعه اسناد بصری ستاد حقوق بشر جمهوری
اسلامی ایران؛ «مستندات تصویری فاجعه مدرسه شجره
طیبه؛ متادیتای دوربین‌های شاهد به مثابه مدرک جرم»،
تهران، اسفند ۱۴۰۴.

9. مقاله تخصصی: «دکترین ضرورت نظامی در تقابل با
حقوق کودکان در جنگ»؛ مجله بین‌المللی حقوق جزا
« International Criminal Law Review » ، شماره ۳۴،
آوریل ۲۰۲۶.

پاورقی‌ها:

10. مقاله تحلیلی: «مسئولیت کیفری فرماندهان
سنتکام در فاجعه میناب»؛ نشریه حقوقی صلح و امنیت
بین‌المللی، شماره ۱۲، فروردین ۱۴۰۵.

پانویس‌ها: